

## سیاست مسجد ستیزی در جمهوری آذربایجان

سرویس آذربایجان/خبرگزاری آران

حامد گلستانی

خبرگزاری آران / سرویس آذربایجان :

دیباچه:

حافظه تاریخی جمهوری آذربایجان لبریزاز ستمهای ناروایی است که دینداران این منطقه تحمل نموده اند، هنوز در بین مردم این سامان کسانی هستند که چون پای صحبت آنان می نشینی، از شکنجه هایی که در دوران حکومت بلشویکها بر آنان و یا بر پدران و نزدیکان آنها روا داشته شده می شنوی و نیزاز تبعیدها و کشتارهای دسته جمعی؛ وقتی از آنان سوال می کنی که به چه گناهی این گونه رفتارها درقبال مردم این منطقه اعمال می شد همگی يك جواب دارند، اینکه آنانی که کشته، تبعید و یا شکنجه شدند کسانی بودند که بیش از سایرین تلاش می نمودند هویت دینی و ملی خود را حفظ کنند؛ در این میان مساجد باکو سرگذشت غم انگیزی داشته اند، هم اکنون درمناطق قدیمی باکو- ایچری شهرو سایر نقاط شهر که قدم می زنی و مساجد قدیمی را می بینی گویی با گوش دل رازهای نهفته در این مساجد را می شنوی که در روزگار حاکمیت کمونیستها چه بی حرمتی ها که ندیده اند، مساجدی را نشانت می دهند که در زمان بلشویکها به اجبار به انبار علوفه تبدیل شده بودند و... اکنون به تعداد معدودی از این مساجد که فعال هستند سر می زنی و جوانان ونوجوانانی را که همچون تشنگانی در جستجوی آب، در حال آموزش قرآن هستند می بینی غربت توام با عظمت قرآن را دراین منطقه با تمام وجود درک می کنی که در حقیقت میراث گران سنج علما و دینداران شهیدی هستند که امروزه حتی نام و نشان آنها برای تعدادی کثیری از مردم نا آشناست؛ اینان کسانی هستند که قدم در مسیرنیاکان پاک سرشت خود گذاشته اند و در راه حفظ و گسترش هویت دینی خود از خیلی امتیازات چشم پوشی نموده و حضور درمساجد و عمل به تکالیف شرعی خود را بر بسیاری از مسائل ترجیح داده اند. راستی کدامین جاذبه باعث شده است این افراد که تعدادی از آنها حتی به سن تکلیف شرعی نرسیده اند از دیدن شبکه های تلویزیونی که مدام بر طبل تحریک غرایز می کوبند؛ فاصله گیرند؟ راستی چرا اینها علیرغم تلاشهای آشکار و پنهانی که صورت می گیرد درمراسماتی که آواز پسران هم سن و سال آنها و رقص دختران بزرگ کرده نیمه عریان، خاصیت اصلی آن برنامه هاست شرکت نمی کنند؟ وساعتها مانده به موعد اذان در مساجد دور هم نشسته و قرآن می خوانند و آنگاه که ندای موذن را می شنوند با شور و شوق وصف ناپذیر در صفوف نماز جماعت قرار می گیرند و چون نمازشان به پایان می رسد شدت تکبیرشان ستونهای مساجد را می لرزاند؟ آخرمگرنه اینست که همه ساله میلیونها دلار هزینه می گردد تا میدان 28می باکو با انواع گلهای زینتی آراسته گردد و رقاصان معروف و خوانندگان مشهور با هنرنمایی! خود در جشن گلهای که همه ساله درروز 5 می در این میدان برگزارمی گردد جوانان را حالی دگر بخشند؟ آخر چرا این جوانان به جای شرکت در مراسم فوق و صدها مراسم شبه آن باز از مساجد فاصله نمی گیرند؟ تا برخی محافل آذری که نگران حضور جوانان در مساجد هستند آرام گیرند؟ و...

با خود می پرسیم که مگر تعداد جوانان مسجدی با مردمی که در این برنامه ها شرکت می کند برابری می نماید که برخی محافل، ازحضورآنان درمساجد ناخشنوند و به هر قیمتی که شده سعی دارند اینان را نیز با اکثریت همراه کنند؟ نیک که می اندیشم چرایی نگرانی آنان از حضور جوانان در مساجد را درمی یابم. تاریخ اسلام را که ورق می زنی وتعداد سجده کنندگان اوایل اسلام را می شماری و آن عدد را با حدود يك ونیم میلیارد نفرمسلمان درحال حاضر مقایسه می کنی همه چیزمشخص می گردد؟ پس آنان که نگرانند حق دارند بیمناک حضور جوانان پرشور ولو به تعداد کم درمساجد باشند؟ چراکه اگر درطول 1400 سال سه نفربه يك میلیارد و نیم رسیده لاید این جوانان نیز در مدت زمان کوتاهی چند برابر خواهند شد؟ پس نگرانی محافل یاد شده، جدی است و همین نگرانی است دست مایه اجرای سیاست مسجد ستیزی در جمهوری آذربایجان گردیده است.

سیاست دولت باکو در قبال مساجد:

- بگوئید فردا تشکیل جلسه دهند، دستورجلسه فردا ازهمیشه مهمتراست، بایستی فکری به حال این جوانان کرد، آخر دلیلی ندارد که ما این همه سرمایه گذاری کنیم، این همه تبلیغ کنیم و آخر سر ببینیم هر روز بدتر از روز قبل بر تعداد جوانانی که به مسجد می روند افزوده می شود و بر تعداد دختران و زنانی که به رعایت حجاب مقید می گردند اضافه می گردد، اینها می توانند همه زحمتهایی را که در مسیرتثبیت قدرت خود کشیده ایم به باد دهند، این همه زحمتی که برای اصلاح قانون اساسی می کشیم تا خیال مان از بابت فردا راحت باشد می تواند توسط اینها بر باد رود، هر جوری شده بایستی این جلسه همین فردا تشکیل شود .

- جلسه با چند دقیقه تاخیر شروع می گردد، رئیس جلسه با بیان مقدمه ای کوتاه دستور جلسه را بیان می نماید واز حاضران راه چاره می خواهد، همه به یکدیگر نگاه می کنند ومنتظرند تا یکی شروع نماید، پس از چند دقیقه يك نفر سکوت حاکم بر جلسه را می شکند و اجازه صحبت می خواهد تا مواردی را توضیح دهد؛ او چنین شروع می نماید: به

نظرم مهمترین علتی که جوانان را به مساجد می کشاند صدایی است که هر روز چندین نوبت از گلدسته های مساجد به گوش می رسد، باید آن صدا را خاموش کرد چون مدت زمانی که جوانان ندای الله اکبر را نشوند و فریادی را که دم از یگانگی خدا می زند فراموش کنند می توان آنها را با انواع بازیچه ها مشغول ساخت و زمانی که حقانیت پیامبر اسلام را از یاد ببرند می توان نیاز فطری آنها به دین را با آئینهایی مثل مسیحیت و یهودیت ارضاء نمود، آئینهایی که برای ما ضرری ندارند؛ آن گاه که جوانان ندای اشهدان علیاً ولی ا... را نشنوند؛ آرام آرام و ZWJ&؛ژه هایی مانند تشیع، کربلا، حسین، شهادت و جهاد را فراموش می کنند؛ آن وقت آنان نیز در جشن گلهها شرکت می کنند. شبها را در پای برنامه های تلویزیون به صبح گره می زنند و بالاخره همان می شوند که ما می خواهیم و نگرانی جنابعالی هم رفع می گردد.

- رئیس جلسه با حالتی تمسخر آمیز می گوید: تو مگر در این کشور زندگی نمی کنی، مگر همین چند سال قبل دستور ممنوعیت پخش اذان را صادر نکردیم، دیدید که مشکلاتی ایجاد شد و آخر سر مجبور شدیم حرفمان را پس بگیریم پس این اجرایی نیست، راه حل دیگری بدهید.

نفر دوم اجازه صحبت می خواهد و چنین شرع می نماید: جناب آقای رئیس به نظرم بهترین کاری که باید انجام دهیم اینکه بایستی این جوانان را در یک فضای رعب انگیز قرار دهیم، اگر اینها بفهمند که مسجد رفتن ممکن است برایشان به قیمت دستگیری، شکنجه، زندان و حتی ... تمام شود دیگر نمی توانند این کار را انجام دهند و مجبور می شوند کوتاه بیایند و...

- رئیس جلسه صحبتهای نفر دوم را قطع می کند و می گوید توهم که مثل نفر قبلی کارهایی را که ما از چند سال قبل انجام می دهیم برایمان باز گو می نمایی؛ مگر کم این کارها را انجام دادیم، مگر در این مسیر کم آبرویمان به باد رفته، مگر همین چند مدت قبل چند نفر از اینها را که الفبای سیاست را نمی دانستند به جاسوسی و تلاش برای براندازی حکومت متهم نکردیم آیا نتیجه ای گرفته ایم، آیا می توانیم بیشتر از دوران حکومت شوروی اینها را تحت فشار قرار دهیم؟ آیا آنها نتیجه گرفتند تا ما نیز نتیجه بگیریم؛ ما هر چند مجبوریم این کارها را ادامه بدهیم ولی این راه چاره نیست بایستی دنبال چاره دیگری بود.

نفر سوم کسب اجازه نموده و می گوید: جناب آقای رئیس در این گونه موارد بایستی از تجربه های تاریخی استفاده نمود، شما حتماً از تاریخ اندلس مطلع هستید، شما می دانید اسپانیای امروز زمانی توسط مسلمانان تصرف شده بود، تنها عاملی که اسلام را در آنجا از رونق انداخت اشاء فساد و ترویج اباحه گری بود ما بایستی این کار را با شدت بیشتری انجام دهیم.

- رئیس جلسه سری تکان می دهد و می گوید: این موضوع مهمی است و بارها روی آن تاکید کرده ام؛ البته کارهای خوبی هم انجام گرفته بگونه ای که در حال حاضر تلویزیونهای ما گوی سبقت را در این زمینه از خود غربیها ربوده اند و بایستی این کارها ادامه یابد ولی باید بدانیم این جوانانی که ما از آنها بیمناکیم دیگر با این اقدامات از مساجد دست نمی کشند، این برنامه ها برای عموم مردم مناسب است.

نفر چهارم بدون اینکه اجازه صحبت بگیرد رو به رئیس جلسه کرده و می گوید: من در خصوص تاریخ اسلام مطالعاتی داشته ام، در طول تاریخ هرگاه خواسته اند با مسلمانان واقعی مبارزه کنند نوعی از اسلام را که هیچ ضرری برای آنها نداشته است تبلیغ نموده اند مثلاً در قیام کربلا برای اینکه با امام حسین و یارانش مبارزه کنند او را به خروج از دین متهم نمودند و به بهانه دفاع از دین حسین را کشتند؛ اگر در حال حاضر حضور روز افزون جوانان شیعی در مساجد خاطر شریف را می آزد بایستی نوعی سیاست شبیه سازی را شروع کنید.

- رئیس که با دقت به سخنان این آقا گوش می دهد گو اینکه از راه حل ارائه شده خوشش آمده، خواستار توضیح بیشتر در این زمینه می شود و او در ادامه می گوید: ببینید ما می توانیم برای اینکه از تهمت مبارزه با مسجد در امان باشیم خودمان یکی دو مسجدی را که مدیریت آنها در اختیار ماست به بهترین شکل بازسازی کنیم و حتی یکی دو مسجد مجلل نیز بنا نماییم چراکه این کار هم از نظر بستن دهان منتقدین داخلی و هم از لحاظ جلب نمودن حمایت کشورهای مسلمان و سازمانهای اسلامی مفید است بطوری که می توانیم با انجام این کارها به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام انتخاب شویم، پس از این اقدامات، بایستی مساجدی را که محل اجتماع جوانان پر شوری است که شما را نگران می کند به دلایل مختلف تعطیل نماییم. البته در این مسیر برای اینکه حساسیتی پیش نیاید بایستی تعدادی از مساجد ی را که از ناحیه آنها ضرری متوجه ما نمی شود را نیز تعطیل کنیم و حتی در صورت لزوم تخریب نموده و یا تغییر کاربری دهیم. با این اقدامات در طول چند سال مساجدی که مدیریت آنها تحت اختیار ما نیست یا مجبور می گردند تحت مدیریت ما قرار گیرند و یا به تدریج حذف می گردند و در مساجد خودمان نیز بایستی حواسمان جمع باشد تا دوباره جوانان نفوذ نکنند که البته این کار شدنی است چرا که آنها ما را قبول ندارند بنابراین می توان بدون مشکل و با انتخاب امام جماعت و مواردی از این دست آنها را نسبت به حضور در مساجد بی انگیزه نمود.

- رئیس که از این پیشنهاد راضی به نظرمی رسد دستور می دهد، پیشنهاد ارائه شده در اسرع وقت مکتوب و به صورت شفاف با بیان جزئیات و ذکر نام مساجدی که قرار است با روشهای مختلف تعطیل و یا تخریب و یا کنترل گردند تقدیم ایشان گردد تا دستورات لازم صادر شود.

نتیجه گیری:

واقعیت اینست اقداماتی که از زمان انفجار مرداد ماه سال گذشته در مسجد ابوبکر باکو تا کنون پیرامون مساجد جمهوری آذربایجان اتفاق می افتد جملگی برگهایی از سیاست مسجد ستیزی دولت باکو محسوب می گردد که هر از گاهی متناسب با شرایط ورق می خورند. غصب محوطه مسجدی در شهرستان یوولاخ و متعاقب آن تخریب مسجد حضرت محمد (ص) و نیز بسته شدن مسجد شهدا (ترك ها) در باکو و نیز نصب دوربین مدار بسته در مسجد... در جمهوری خود مختار نخجوان طی دو هفته اخیر تنها بخشهایی از سیاست یاد شده می باشد که البته می تواند نتایج ناگواری به همراه داشته باشد. درحال حاضر کارشناسان مسائل فرهنگی و اجتماعی جمهوری آذربایجان برخوردهای صورت گرفته با مساجد را یاد آوری سیاستهای ضد دینی دوران حکومت کمونیستها معرفی می کنند و فعالان امور دینی نیز در ارتباط با نتایج شوم این برخوردها هشدار می دهند.

تدوین کنندگان سیاست مسجد ستیزی در جمهوری آذربایجان که با اهدافی از قبیل از بین بردن کامل هویت دینی جمهوری آذربایجان، محکم نمودن پایه های حکومت مبتنی بر سکولاریسم و مقابله با روند رو به رشد گرایش جوانان آذری به امور دینی درحال اجرای سیاستهای ضد دینی خود هستند بایستی متوجه این نکته باشند که مسجد با سابقه چند صد ساله خود در جمهوری آذربایجان همواره بعنوان یکی از تکیه گاههای معنوی مردم نقش ایفا نموده است، کمونیستها در دوران تعطیلی مساجد، علیرغم اعمال خفقان نتوانستند علاقه قلبی مردم به مسجد را از بین ببرند که بازگشایی و تعمیر مساجد در اولین روزهای استقلال جمهوری آذربایجان گواه صدق این ادعاست. درحال حاضر نیز گرچه تبلیغات ضد دینی تزارها، کمونیستها و غربگرایان در طول سالهای پس از قراردادهای گلستان و ترکمن چای باعث گردیده بخشی از رفتار اجتماعی و پوشش ظاهری مردم با آموزه های دینی مغایرت داشته باشد، لیکن عموم مردم همچنان به مسجد بعنوان مکانی مقدس می نگرند که مراجعه عموم مردم به مساجد و و رازو نیاز با معبود خویش و اداء نذر و استمداد از خدای خود در کنار برخی نمادهای عجیب شده با مسجد در هر لباس و پوششی و حتی وصیت برخی از مردم مبنی بر متبرک نمودن جنازه آنها پس از وفات از طریق بردن به مسجد تنها گوشه هایی از ارادت مردم به این مکان مقدس می باشد و لذا اگر متولیان سیاست مسجد ستیزی چنین تصور می کنند که با توجیهاتی مانند نیاز مسجد به انجام تعمیرات، غیر قانونی ساخته شدن مساجد و یا احتمال خطرات امنیتی خواهند توانست در طولانی مدت به اهداف خود که از بین بردن هویت دینی آذربایجان و جلوگیری از گرایش روز افزون جوانان به مقوله دین از طریق تعطیل مساجد است جامه عمل بپوشانند سخت در اشتباهند چراکه در صورت تداوم این سیاستها همه مردم جمهوری آذربایجان به مقابله با سیاست فوق خواهند پرداخت که البته نارضایتی عمومی مردم از اعمال این سیاستها را در گفتگوی با آنها می توان دریافت. درحال حاضر افکار عمومی مردم جمهوری آذربایجان این سوال را از مجریان سیاست مسجد ستیزی دارند که به راستی چه فرقی مابین ارمنستان که تعدادی از مساجد شهرهای اشغالی آذربایجان را تخریب کرده با دولت آذربایجان که مبادرت به تخریب و تعطیل مساجد پایتخت و سایر شهرها می نماید وجود دارد؟ علاوه بر این مردم جمهوری آذربایجان از دولت خود این سوال را می پرسند که تخریب مسجد در جمهوری آذربایجان با تخریب مسجد بیت المقدس که اسرائیل سالهاست به دنبال انجام آن می باشد و همین اقدام موجب تنفر عموم مسلمانان از این رژیم شده چه فرقی دارند؟ باز می پرسند در کشوری که 95 درصد آن را مسلمانان تشکیل می دهند چرا بایستی کلیساهای مسیحیان و کنیسه های یهودیان فعال باشند و هزار گاهی بر تعداد آنها افزوده گردد ولی مساجد هر روز به بهانه ای تخریب و یا تعطیل گردند. نکته دیگری که در این خصوص بایستی مورد اشاره قرار گیرد اینکه اماکن مذهبی مسلمانان به خصوص شیعیان گرچه در محدوده جغرافیایی یک کشور قرار می گیرند لیکن بایستی آنها را بنا به مورد متعلق به همه مسلمانان و شیعیان دانست که در این میان شیعیان ایران با توجه به اشتراکات فرهنگی و دینی خود با مردم جمهوری آذربایجان بیش از همه نگران وضع مساجد جمهوری آذربایجان می باشند چه اینکه این مساجد به عنوان بخشی از هویت دینی و ملی آنان نیز محسوب می گردد. امید که شاهد توقف زود هنگام سیاست مسجد ستیزی در جمهوری آذربایجان باشیم انشاء...

پایان پیام.